

## نصایح غیر مستقیم کلاه قرمزی به خانواده‌ها



باشند. مانند سریال تلویزیونی خیابان سه‌سالی (Sesame Street) که تولید آن تقریباً از اول دهه ۷۰ میلادی (نوامبر ۱۹۶۹ میلادی) آغاز شد و تا حال حاضر ادامه یافته است. این سریال که در ابتدا با هدف بیان و آرایه مطالب آموزشی برای کودکان محله‌های فقیرنشین شهرهای آمریکا ساخته شده، تنها شباهت به نمونه‌های دیگری در خارج از مرزهای این کشور پیدا کرد (مانند برنامه باچه سه‌سالی در پاکستان)، بلکه رفته رفته حوزه‌های وسیع‌تری همچون مسائل اجتماعی و حتی سیاسی را نیز دربر گرفت. همانند برنامه‌های که به مسأله دوری فرزندان نظامیان آمریکایی از والدینشان که عازم مأموریت‌های خارج از کشور بودند می‌پرداخت.

برنامه‌های عروسکی در تلویزیون ایران نیز رونقی فراوان دارند، آن قدر که به گفته برخی تهیه‌کنندگان برنامه‌های کودک، استفاده از عروسک در کنار یک مجری، تبدیل به دستورالعمل برنامه‌های کودک فوری و کم‌درسر برنامه تلویزیونی برای کودکان شده است!

اما این برنامه‌ها نیز، میزان متفاوتی از اثربخشی و خاطر انگیزی را با خود دارند. یکی از این برنامه‌ها که حالا با نام شخصیت اصلی‌اش شناخته می‌شود و همراه با شهرت و محبوبیتش، گاهی با حاشیه‌های رسانه‌ای نیز همراه شده، کلاه قرمزی است. این سریال تلویزیونی، از معدود برنامه‌هایی است که ضمن کسب مقبولیت و محبوبیتی قابل توجه در میان کودکان و سایر گروه‌های سنی، دوام و بقای خود را از حدود دو دهه پیش تا امروز حفظ کرده است.

نام کلاه قرمزی، همچون برخی دیگر از شخصیت‌های افسانه‌ای، مانند شنل قرمزی یا سفید برفی، دلالت بر ویژگی باطنی خاصی از قبیل جنسیت و ویژگی‌های رفتاری یا شخصیتی ندارد. این نام تنها به یک مشخصه ظاهری اشاره می‌کند؛ بنابراین در مواجهه ابتدایی، هیچ پیش‌داوری خاصی را بر نمی‌انگیزد. آنچه هویت این شخصیت عروسکی را در ذهن تماشاگر شکل می‌دهد و ویژگی‌های ظاهری و باطنی او را تعریف می‌کند، آرام و

برخوردار است که مطالعه در الگوهای آن، امکان ایجاد همبستگی‌های اجتماعی را برای فعالیت‌های سازنده، فراهم می‌آورد و راهبردهای عملی در این باره را مشخص می‌کند.

در ماجراهای کلاه قرمزی، نصیحت‌های مستقیم و مشفقانه معمول در برنامه‌های مشابه، چندان رایج نیست؛ اگر هم نصیحت و اندرز هست، اغلب به گونه‌ای در لاف‌ها و باقالب‌های طنزآمیز آرایه می‌شود که ملال‌آور و کلافه‌کننده... نمی‌نماید. از همین رو، شریاطی را ایجاد می‌کند که امکان همانندسازی با شخصیت‌های داستان، آسان تر فراهم می‌شود.

به گفته برونو بتلهایم، «کودک به خاطر نیکویی قهرمان، خود را با او همانند نمی‌سازد، بلکه بدان سبب خود را با او همانند می‌کند که وضع قهرمان، جاذبه ژرف‌مختی را در او به وجود می‌آورد. کودک از خود نمی‌پرسد که آیا می‌خواهم خوب باشم؟ بلکه می‌پرسد: «می‌خواهم همانند چه کسی باشم؟» کودک برای اخذ تصمیم در باره این انتخاب، خود را با شوق و زاری کمال رغبت، به درون وجود شخصیت مورد علاقه می‌افکند. هرگاه این شخصیت، چهره‌ای نیک باشد، کودک نیز بی‌تأمل تصمیم می‌گیرد که او هم نیک باشد» (بتلهایم، ا.بی.ا. ۳۳). این گونه است که شخصیت‌های مجموعه کلاه قرمزی، قابلیت همانندسازی و تکرار از بافرینی نقش‌ها و گفته‌هایشان را به دست می‌آورند و جالب این‌که، همه آنها در ذات خود، نیک سیرت‌اند. این شخصیت‌ها، با کاریکاتورهایی از افراد معمولی جامعه‌اند که باز هم با ویژگی‌ها و اسم‌های ساده، سرراست و در عین حال با معنا شناخته می‌شوند، یا حیواناتی هستند که اتفاقاً در لفظ‌های عامیانه، اغلب از اسم‌هایشان به‌عنوان توهین یا دشنام استفاده می‌شود و گاه در این مجموعه، نقش و ویژگی‌هایی کاملاً متضاد از تصورات عامه آرایه می‌دهند، طوری که چهره‌ای کاملاً مقبول و دوست‌داشتنی می‌یابند. این تنوع در شخصیت‌ها، امکان استفاده از قابلیت‌های زبان فارسی در طنز گویی و شوخی را نیز فراهم می‌آورد، بدون این‌که راه به هزل و هجو یابد.

نکته قابل‌ربافت دیگری از این جست‌وجو، این است که کلاه قرمزی با اظرفیانش، هیچ‌کدام در قامت یک ابرقهرمان ظاهر نمی‌شوند. اتفاقاً گاهی نیز سریال (به‌ویژه در قسمت‌های جدید)، از درجه طنزی ملج، به قهرمانان ادبی و داستانی پیشین می‌نگرد و از این منظر، رویکردی پست‌مدرن را به‌نمایش می‌گذارد. کلاه قرمزی، کودک بازگوش است با خوبی‌ها و شیطنت‌های کودکانه، با اشتباه‌هایی که از او سر می‌زند و ساختار شکنی‌هایی که

از نگاه بزرگ‌ترها، خرق عادت یا خلاف عرف به‌شمار می‌رود، اما همین اعمال، موقعیت‌های طنزآمیز را در داستان می‌آفرینند و مجموعه را از خطر چرخیدن بر مدار تکرار و کسالت‌آوری بازمی‌دارند و تازگی و ماندگاری آن را حفظ می‌کنند. در میان همین موقعیت‌ها، گاهی جملات و نکاتی گفته می‌شوند که بار معنایی فراوانی دارند و در ذهن مخاطب، مفاهیم گوناگونی را می‌آفرینند و تصویر می‌کنند، آنچنان که این جمله‌های خاص، در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی، همراه با تصاویر شخصیت‌های این سریال، مرتب تکرار می‌شوند و اظهار نظر ها و تک‌جمله‌های طنزآمیز در ذیل آنها درج می‌شود. طرفه اینجاست که با وجود برداشت‌های ذهنی متفاوت از این جمله‌ها یا تکیه کلام‌ها، یک احساس مشترک جمعی در پیرامون این نقل‌قول‌ها شکل می‌گیرد که با وجود تفاوت در نشانه‌ها و برداشت‌های شخصی، حس مشترک را در فضای مجازی پدید می‌آورد. این توان و برد رسانه‌ای و قابلیت ایجاد حس مشترک بین مخاطبان، در موفقیت تلویزیونی و پیرو آن، سینه‌امی این اثر نیز، اهمیتی انکارناپذیر دارد. این توانایی رسانه‌ای و جذابیت جمعی، از چنان اهمیتی

**در ماجراهای کلاه قرمزی، نصیحت‌های مستقیم و مشفقانه معمول در برنامه‌های مشابه، رایج نیست؛ اگر هم نصیحت و اندرز هست، اغلب به گونه‌ای در لاف‌ها و باقالب‌های طنزآمیز آرایه می‌شود که ملال‌آور و کلافه‌کننده... نمی‌نماید**

شده، کلاه قرمزی است. این سریال تلویزیونی، از معدود برنامه‌هایی است که ضمن کسب مقبولیت و محبوبیتی قابل توجه در میان کودکان و سایر گروه‌های سنی، دوام و بقای خود را از حدود دو دهه پیش تا امروز حفظ کرده است.

نام کلاه قرمزی، همچون برخی دیگر از شخصیت‌های افسانه‌ای، مانند شنل قرمزی یا سفید برفی، دلالت بر ویژگی باطنی خاصی از قبیل جنسیت و ویژگی‌های رفتاری یا شخصیتی ندارد. این نام تنها به یک مشخصه ظاهری اشاره می‌کند؛ بنابراین در مواجهه ابتدایی، هیچ پیش‌داوری خاصی را بر نمی‌انگیزد. آنچه هویت این شخصیت عروسکی را در ذهن تماشاگر شکل می‌دهد و ویژگی‌های ظاهری و باطنی او را تعریف می‌کند، آرام و

**مهر داد کریمی** از روایت اساطیری پیگمالیون و گالاتئا، تا ماجراهای پینوکیو در مجله کودک کان (Giornale dei Bambini) و رم و سریال‌های تلویزیونی و فیلم‌های سینمایی خیابان سه‌سالی (Sesame street) و مپت‌ها (Muppets)، با حکایت دست‌ساخته‌هایی انسانی روبه‌رو هستیم که جان می‌گیرند و در زندگانی حقیقی انسان‌ها وارد می‌شوند و ماجراهای گوناگونی را می‌آفرینند. شاید گالاتئای اساطیری و پینوکیوی قرن نوزدهمی، برای مقبولیت یافتن و تکامل پیدا کردن، نیاز داشتند تا در سیرانجام داستان، ساختار مملوس شده و تبدیل به انسان واقعی شوند، اما در عصر رسانه‌ای شده امروز، همه این دگردیسی‌ها و تحول‌ها، برعهده جبهه‌های جادویی (یا همان تلویزیون) و ابزارهای ارتباطی و تصویربرداری و پخش تصاویر متحرک، گذاشته شده است. ابزارهایی که امروزه، به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از سبک زندگی، در سراسر دنیا شناخته شده و رسمیت یافته‌اند. برنامه‌های تلویزیونی عروسکی، دو عنصر جذاب را در کنار هم دارند. یکی ساختار مملوس و قابل‌رویت که با دنیای خیال‌انگیز و بازی‌ها و سرگرمی‌های کودکان، پیوندی ناگسستگی دارد، به‌نام عروسک و دیگری، عنصر داستان که عامل پیش‌برنده ماجراها و ایجاد کشش ذهنی و شخصیت‌پردازی در برنامه به‌شمار می‌رود. کودکان از توانایی بالایی در جان‌بخشیدن یا جان‌دارینداری عروسک‌هایشان برخوردارند. شبیه به همان نکته‌ای که درباره انسان‌های بدوی از آن با نام (animism)، یاد می‌کنند و هنوز در ناخودآگاه بسیاری از ما نیز باقیست.

عروسک‌ها برای کودکان، در حکم یک بازیچه معمولی نیستند، بلکه هریک ویژگی‌هایی قابل تعریف در ذهن کودک یافته‌اند، چنان‌که گویی دارای شخصیتی مستقل با خصوصیات اخلاقی یا رفتارهای خاص و حتی امیال مشخص هستند و بدین‌سان، کاملاً هویت یافته‌اند. این هویت و ویژگی‌ها، اغلب با مفاهیمی مشخص، ساده و سرراست تعریف می‌شوند، آنچنان‌که کودک می‌تواند برای مفهوم آنها، تصویری ذهنی ایجاد کند و آنها را مطابق الگوها و نشانه‌های آشنای خود، در یاد مفاهیمی همچون مهربانی، دوستی، بخشندگی (دست‌ودل بازی)، خشم، دروغ‌گویی، بدجنسی و زیبایی (قشنگی)، برای کودکان نشانه‌های مشخصی دارند که به کودک در ساخت تصویر ذهنی آشنا و قابل درک از آنها، کمک می‌کنند. همین شرایط، درباره شخصیت‌های داستانی نیز صدق می‌کند. «انتخاب‌های کودک (در باره شخصیت‌های داستانی)، آن قدرها بستگی به نیکویی در مقابل بدی یا بستگی به شخصیتی که نظر مساعد او را به خود جلب کند یا کسی که نفرت‌آور او را انگیزد، ندارد. هر قدر شخصیت خوب (در داستان‌ها)، ساده‌تر و سرراست‌تر باشد، همانندسازی با او در شخصیت‌پذیری برای کودک آسان‌تر است.»<sup>(۱)</sup>

برنامه‌های عروسکی تلویزیونی، دارای سطوح مختلفی از تاثیرگذاری و جذابیت هستند. این امر با چگونگی استفاده از دو عنصر یاد شده (عروسک و داستان) و همچنین، شناخت و برقراری ارتباط با مخاطب، نزدیکی فراوانی دارد. برنامه‌هایی که با شناخت کافی از توانایی‌های ذهنی مخاطب، در قالب‌های حساب‌شده و آگاهانه، مطالب و موضوع‌هایشان را آرایه می‌دهند، این امکان را می‌یابند که برای زمانی طولانی، اثربخشی خود را حفظ کرده، برای نسل‌های بیابایی و متعدد، هم خاطر انگیز و هم جذاب

با این که بیش از ۶۰ درصد ورودی دانشگاه را دختران به خود اختصاص داده‌اند، گزارش یونسکو نشان می‌دهد نگرش عمومی به این موضوع منفی‌تر شده است. گزارش آموزش همگانی یونسکو در سال ۲۰۱۵ نشان می‌دهد نگرش مردم ایران به این‌که «تحصیل دانشگاهی برای مردان مهم‌تر از زنان است» در سال ۲۰۰۰ با مخالفت ۶۰ درصد افراد شرکت‌کننده در نظر سنجی روبه‌رو شده اما در سال ۲۰۰۷ این رقم به ۴۵ درصد کاهش پیدا کرده است. در سال ۲۰۰۰ در مجمع جهانی آموزش که در داکار پایتخت سنگال برگزار شد، ۱۶۴ دولت دنیا تعهد کردند که تا سال ۲۰۱۵ به شش هدف عمده در زمینه آموزش برسند. این اهداف عبارت بودند از: آموزش و مراقبت برای کودکان، آموزش همگانی، باسوادی بزرگسالان، برابری جنسیتی فرصت‌برابری و کیفیت آموزش.

یونسکو (نهاده آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل) گزارش منتشر کرد که عملکرد دولت‌های دنیا در تعهد به وعده‌هایشان در اجلاس داکار را بررسی کرده است. به گفته ایرینا یو کووا، دبیر کل یونسکو، با این‌که در این ۱۵ سال دنیا پیشرفت «قابل ملاحظه‌ای» کرده و «گر رویه دهه ۹۰ میلادی ادامه پیدا می‌کرد میلیون‌ها کودک از مدرسه رفتن محروم مانده بودند» اما دولت‌هایی که از این آزمون سر بلند بیرون آمده‌اند در اقلیت هستند.

به‌جز چند کشور اروپایی، تنها کویت، قریزستان و مغولستان توانسته‌اند به تمامی شش هدفی که در سال ۲۰۰۰ تعیین شد دست پیدا کنند اما پاکستان، یمن و چند کشور در جنوب صحرای آفریقا با این اهداف فاصله چشمگیری دارند. این گزارش یک ماه پیش از مجمع جهانی آموزش که در اینچئون کره جنوبی برگزار می‌شود، منتشر شده است.

### ایران

به‌طور کلی ایران از نظر شاخص توسعه آموزش همگانی در میان کشورهای متوسط و در رده ۶۹ قرار گرفته است. ایران همچنین جزو کشورهای بسیاری است که نتوانسته‌اند میزان بیسوادی بزرگسالان را بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ به کمتر از نصف کاهش دهند.

اما از نظر شاخص دیگری ایران رشد نشان می‌دهد و از جمله از نظر برابری فرصت تحصیل برای دختران به‌طور دائم رشد کرده است. ایران همچنین در بین کشورهای است که آموزش پیش‌دستانی در آن در طبقه‌بندی

### کدام مسأله زنان؛ دغدغه لوکس نیست؟!

#### اسما روانخواه

پژوهشگر اجتماعی



بحث بر سر حضور زنان در ورزشگاه‌ها داغ شده است. ماجرا هم از جایی شروع شد که اواسط فروردین ماه امسال معاون فرهنگی، آموزشی و پژوهشی وزیر ورزش و جوانان از تأیید طرح پیشنهادی این وزارت‌خانه برای حضور خانم‌ها و خانواده‌ها در سالن‌های ورزشی از سوی شورای امنیت کشور خبر داد و گفت: این طرح امسال اجرایی می‌شود و یک روز پس از آن دین پرست، رئیس مرکز اطلاع‌رسانی و امور بین‌الملل وزارت کشور با تکذیب این خبر گفت، شورای امنیت کشور در خصوص حضور بانوان در سالن‌های ورزشی مصوبه‌ای نداشته است. بعد از آن بود که واکنش‌های متفاوتی از سوی مسئولان کشور دیده شد.

از یکسو شهیندخت مولاردی، معاونت امور زنان ریاست‌جمهوری در حمایت از این طرح اظهار داشت که حضور زنان در ورزشگاه‌ها منجر به تشویق در توسعه ورزش، تأسیس محیط‌های ورزشی و موجب تلطیف این امکان می‌شود.

زنان ریاست‌جمهوری در حمایت از این طرح اظهار داشت که حضور زنان در ورزشگاه‌ها منجر به تشویق در توسعه ورزش، تأسیس محیط‌های ورزشی و موجب تلطیف این امکان می‌شود. زنان ریاست‌جمهوری در حمایت از این طرح اظهار داشت که حضور زنان در ورزشگاه‌ها منجر به تشویق در توسعه ورزش، تأسیس محیط‌های ورزشی و موجب تلطیف این امکان می‌شود. زنان ریاست‌جمهوری در حمایت از این طرح اظهار داشت که حضور زنان در ورزشگاه‌ها منجر به تشویق در توسعه ورزش، تأسیس محیط‌های ورزشی و موجب تلطیف این امکان می‌شود. زنان ریاست‌جمهوری در حمایت از این طرح اظهار داشت که حضور زنان در ورزشگاه‌ها منجر به تشویق در توسعه ورزش، تأسیس محیط‌های ورزشی و موجب تلطیف این امکان می‌شود.

از سوی دیگر طیب‌زاده‌نوری، نماینده مجلس شورای اسلامی در این رابطه گفت که بحث حضور زنان در ورزشگاه‌ها حتی اولویت‌صدم زنان در واقع مطالبه تعداد محدودی از زنان مرغه است که هیچ مشکل دیگری در زندگی ندارند و فقط برای تفریح و شادمانی خود می‌خواهند به ورزشگاه بروند، ما به‌قدری زنان محروم در جامعه داریم و آن قدر زنان ما مسائل مختلفی دارند که رفتن به ورزشگاه‌ها برای آنها اولویت‌صدم محسوب می‌شود. اما واقعاً چرا رفتن خانواده‌ها و زنان به ورزشگاه‌ها دارای اهمیت شده است؟ آیا این درخواست فارغ از نقشی که در شور و نشاط خانوادگی و احیای مباحث تربیتی و ورزش دوستانه دارد، مطالبه آیا مسئولان و متولیان امور زنان و نمایندگان مجلس (بالاخص نمایندگان خاتم مجلس)، لزوم توسعه ورزش آن هم برای بانوان را به‌عنوان یک دغدغه اجتماعی می‌شناسند؟ آیا می‌دانند که پوکی استخوان، اضافه‌وزن، دیابت و سایر بیماری‌هایی که می‌تواند یک جامعه را به‌سمت جامعه‌ای بیمار هدایت کند با توسعه ورزش و فعالیت بدنی قابل کنترل است؟ آیا می‌دانند یک جامعه بیمار نمی‌تواند مسیر توسعه را طی کند؟

چندان خوشایند نمی‌یابند. این سریال، با مجموعه‌ای از ویژگی‌های خاص رسانه‌ای و تجاری، نمونه‌ای به‌دست می‌دهد که حکایت از توان و برد رسانه‌های برنامه‌های ویژه کودکان دارد. همچنین مخاطبانی که گرچه از نظر سنی کودک به‌شمار نمی‌آیند، اما هنوز دلخوشی‌هایشان را در ساختارهای کودکانه‌ای می‌جویند که حرف دل بزرگ‌ترها را راحت‌تر و آرایش‌تر زبان کودکانه، آن هم از زبان عروسک‌های جان‌گرفته بر دستان عروسک گردان‌ها باز گویی کنند.

#### پی‌نوشت:

۱- نگاه کنید به: کاربردهای افسون. برونو بتلهایم، ترجمه کاظم شیوا رضوی، ص ۳۳

می‌دهد سهمیه‌بندی جنسیتی در این دوره از وزارت علوم کم‌رنگ‌تر شده است.»

در دوره پیشین وزارت علوم سهمیه‌بندی جنسیتی گسترده در یک سری از رشته‌ها و حذف کامل دختران در تعدادی رشته‌های فنی، اعتراض گسترده داوطلبان را به دنبال داشت. دفترچه کنکور امسال نشان می‌دهد نسبت به سال گذشته محدودیت ادامه تحصیل زنان در رشته‌هایی همچون مهندسی معدن کم‌رنگ‌شده است.

نویسنده گزارش اضافه کرده بود: «بررسی دفترچه کنکور ۹۳ نشان می‌دهد دانشگاه شیراز و محقق اردبیلی سردمدار سهمیه‌بندی جنسیتی هستند. این دانشگاه‌ها تقریباً در تمامی رشته‌ها در هر چهار گروه علوم انسانی، تجربی، ریاضی و هنر این سیاست را اعمال کرده‌اند. دانشگاه شیراز در ۶۰ رشته سهمیه‌بندی جنسیتی را اعمال کرده که شامل سهمیه بیشتر برای پسران در ۲۶ رشته، سهمیه دو برابر به پسران در ۳ رشته و سهمیه برابر در ۲۱ رشته است. همچنین در رشته مهندسی مکانیک، بیوسستم و الهیات و معارف اسلامی، دختران به کل حذف شده‌اند. جزئیات ظرفیت‌های اعلام شده نشان می‌دهد دانشگاه شیراز در گروه آزمایشی علوم ریاضی و فنی در کلیه رشته‌های این زیر گروه آزمایشی ظرفیت بالاتری را به جنس مرد اختصاص داده است. این دانشگاه در رشته مهندسی مکانیک بیوسستم کلیه ۲۰ ظرفیت خود را به جنس مرد اختصاص داده است و در رشته‌های آمار، ریاضی، فیزیک، مهندسی برق، مهندسی شهرسازی، مهندسی مکانیک، مهندسی معماری، مهندسی مواد و مهندسی مکانیک، همچنین نفت تقریباً پذیرش دو برابر مردان داشته است. این دانشگاه در رشته مدیریت جهانگردی در زیر گروه علوم ریاضی و فنی ظرفیت دو برابر به زنان اختصاص داده است. دانشگاه محقق اردبیلی نیز در ۴۰ رشته سهمیه پسران را دو برابر دختران در نظر گرفته است.»

محقق کاران مروج آن بودند و انتقاد کرد و گفت: «در باره این کارزار، اطلاعاتی پوشش آقای روحانی مستقیماً از سیاست‌های تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها (همراه سیاست‌های استفاده تفکیک جنسیتی که معارف کاران مروج آن بودند) انتقاد کرد و گفت: «در باره این طرح از مردم سوال نشود و کار کارشناسی صورت نگرفت. در قانون اساسی کشور هیچ اشاره‌ای به طرح تفکیک جنسیتی نشده است. دولت آینده، دولتی است که فرصت‌برابری برای زنان و مردان ایجاد می‌کند.»

## تفکیک جنسیتی و نگرش منفی مردم به تحصیل زنان در دانشگاه



«کم» (بین ۳۰ تا ۶۹ درصد) قرار گرفته است. اما از سوی دیگر ایران از جمله کشورهای است که به هدف تعیین شده برای گسترش تحصیل همگانی رسیده است.

### تفکیک جنسیتی

#### رأیه خاطر بسیار، آموزش ماندنی است

در مرداد سال ۱۳۹۱ گزارشی منتشر شد که براساس آن پذیرش دختران از ۷۷ رشته دانشگاه در ۲۶ دانشگاه حذف شده بود. خبرگزاری مهر در آن زمان با اشاره به برنامه پذیرش جنسیتی رشته‌های دانشگاهی و محدودیت پذیرش دختران نوشته بود: «مسئله دامنه این حذف ظرفیت به تعداد زیادی از رشته‌هایی کشیده شده که به نظر نمی‌آید ارتباطی با جنسیت داشته باشند. رشته‌هایی همچون حسابداری، علوم تربیتی و راهنمایی و مشاوره، مرمت بناهای تاریخی و شیمی محض و... دهها رشته دیگر از جمله این رشته‌ها هستند.» در این گزارش آمده بود: «۲۶ دانشگاه در این گزارش مورد بررسی قرار گرفتند که دانشگاه‌های هنر اسلامی تبریز، مازندران، کاشان، دانشگاه سمنان، خوارزمی تهران، دریاوردی و

### نگاه ویژه

### کدام مسأله زنان؛ دغدغه لوکس نیست؟!

می‌دانند رفتن به ورزشگاه‌ها یعنی جست‌وجو برای فضای که بتوان در آن یک شادی جمعی را تجربه کرد، آن هم در شرایطی که رتبه ۱۵ شادکامی در جهان را از آن خود کرده‌ایم؟ نمایندگان مجلس و بالاخص نمایندگان خاتم مجلس می‌دانند که شادی یک مطالبه لوکس نیست؟ که برای داشتن یک خانواده مستحکم نیازمند خانواده‌های شاد هستیم؟

نمی‌خواهیم بسیاری ابعاد مسائل زنان را ندیده بگیریم و نمی‌خواهیم از رفتن زنان به ورزشگاه‌ها حمایت نکنیم، می‌خواهیم بگویم که اتفاقاً خوب است که طیب‌زاده‌نوری می‌گوید، زنان محروم داریم، خوب است که می‌دانند زنان در جامعه با مسائل متعددی روبه‌رو هستند و خوب است حالا که می‌دانند وضعیت زنان در جامعه (و در شاخص‌های مختلف از جمله اشتغال و توانمندسازی و توسعه جنسیتی) روند مطلوبی را طی نکرده است؛ در روند قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی تغییراتی ایجاد کنند تا وضعیت بهتر شود و سوال اساسی این است، حالا که رفتن به ورزشگاه مطالبه طبقه‌بدون در دست و نیازی به جدل کردن ندارد، برای حل مسائل زنان محروم چه اقداماتی انجام شده است؟

چندی پیش شهلامیر گلوبات، عضو قراکسیون سیاست‌گذاری‌های اجتماعی تغییراتی ایجاد کنند تا وضعیت بهتر شود و سوال اساسی این است، حالا که رفتن به ورزشگاه مطالبه طبقه‌بدون در دست و نیازی به جدل کردن ندارد، برای حل مسائل زنان محروم چه اقداماتی انجام شده است؟

چندی پیش شهلامیر گلوبات، عضو قراکسیون سیاست‌گذاری‌های اجتماعی تغییراتی ایجاد کنند تا وضعیت بهتر شود و سوال اساسی این است، حالا که رفتن به ورزشگاه مطالبه طبقه‌بدون در دست و نیازی به جدل کردن ندارد، برای حل مسائل زنان محروم چه اقداماتی انجام شده است؟



### تلاقی

### در خواستی برای فرار از شک!

زمان‌هایی پیش می‌آید که نمی‌توانیم رفتار طرف مقابل را درک کنیم. در این مواقع شاید بهترین کار این باشد که با طرف مقابل به گفت‌وگو بنشینیم تا علت رفتار و گفتار را بهتر از زبان کنیم، و گاهی اوقات دروغ فرصت حرف‌زدن با یکدیگر، منجر به اتمام یک زندگی می‌شود. چندی پیش زن جوانی به دادگاه خانواده مراجعه کرد و درخواست طلاق داد. وی در خصوص علت آن به قاضی گفت: آقای قاضی من شوهرم به من شک دارد و هر کاری می‌کنم مرا بدش بگذرد و با او دعوا کنم. برای همین دیگر از زندگی با او خسته شدم و تصمیم به جدایی گرفتم.

زن جوان ادامه داد: کافئ است یکبار به خانه زنگ بزنم و تلفن اشغال باشد، تا شب از من سوال می‌پرسد و سعی می‌کند هر طوری شده از من حرف بکشد که با کی صحبت می‌کردم و چرا تلفن اشغال بود. وی افزود: وقتی می‌خواهم از خانه بیرون بروم هزار تا سوال می‌پرسد، آن قدر که مرا از رفتن پشیمان می‌کند. وقتی جایی هستم هزار بار با موبایلم تماس می‌گیرد و هزار جور سوال می‌پرسد و با وقتی با کسی صحبت می‌کنم، کلی اشاره می‌کند و اخم‌هایش توهم می‌رود که می‌دانم بعدش باید کلی با او دعوا کنم. برای همین دیگر از زندگی با او خسته شدم و تصمیم به جدایی گرفتم.

### اقتصاد منزل

### جنس گران‌تر؛ بهتر است؟

یکی از سوالاتی که هنگام خرید می‌توانیم از خودمان بپرسیم این است که آیا جنس گران‌تر بهتر است؟ در بسیاری موارد این مطلب صحیح است و در بسیاری موارد دیگر صحیح نیست. شما باید کالای مورد نظر خود را در چارچوب توانایی‌های خود تهیه کنید. اگر واقعاً داشتن یک خودرو برای شما نیاز است، و یک خودرو مثلاً ۳ میلیون تومان کار شما را راه می‌اندازد چرا باید خودرو گران‌تر خرید تا بعد از هزینه‌های نگهداری بیشتری آن را متقبل‌ش‌د؟

شکی در این نیست که امروزه زندگی در شهرهای بزرگ هزینه بالایی دارد، اما اگر کمی دقت کنیم، متوجه می‌شویم که اغلب پول خود را صرف مخارج غیر ضروری می‌کنیم؛ از خرید هله‌هوله و خوراکی‌های بی‌مورد گرفته‌تا. برای اغلب ما هفته آخر ماه معادل روزهای سخت بی‌پولی است و همواره با خود فکر می‌کنیم که «خدایا منگه من چه خرجی کردم که دیگه چیزی در جیبم نیست؟» اما برای پس‌انداز چه کنیم تا این سوال را خودمان نپرسیم؟